



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

اینترنت و شکاف آگاهی: یک مطالعه تئوری و تجربی

چکیده

■ گرچه در ارتباط با پیامدهای اجتماعی جامعه ی اطلاعاتی اغلب به فرضیه ی شکاف آگاهی اشاره می شود ولی مطالب کمی در مورد پیشینه ی نظری یا شواهد تجربی خاص آن وجود دارد. پس این مقاله به بررسی قابلیت نظری دیدگاه شکاف آگاهی در تحقیق پیرامون اینترنت می پردازد و بر اساس دو پیمایش اینترنتی جدید ، داده هایی ارائه می کند که حاکی از وجود یک شکاف آگاهی مضاعف است . در سوئیس دسترسی به اینترنت هنوز هم در انحصار مردان جوان ، مرفه و تحصیلکرده است و بین سال های 1997 و 2000 شکاف بین آنهایی که دسترسی داشته و نداشته اند کمتر نشده بلکه افزایش یافته است . در استفاده از اینترنت هم شکاف هایی وجود دارد . تحصیلکرده تر ها از اینترنت فعالانه استفاده می کنند و استفاده ی آنها ماهیت اطلاعاتی تری دارد در حالیکه به نظر می رسد که افراد با تحصیلات کم تر خصوصاً به کارکردهای سرگرم کننده ی اینترنت علاقه دارند .

واژگان کلیدی : شکاف دیجیتال، جامعه اطلاعاتی، استفاده از اینترنت، شکاف آگاهی، دانش سیاسی، سوئیس

در بحث عمومی پیرامون پیامدهای اجتماعی جامعه ی اطلاعاتی اغلب به شکاف آگاهی اشاره می شود. از اینرو (Esther Dyson) یا استردایسون (Bill gates) سناریوهای خوشبینانه از آینده مثلاً دیدگاه های بیل گیتز به چالش کشیده می شوند این دیدگاه بر این فرض مبتنی اند که جامعه ی اطلاعاتی ضرورتاً برای همه به معنی یک جامعه ی آگاه است ، ولی منتقدان به دلایل گوناگون نگران اند . آنها از یک شکاف فزاینده واهمه دارند (information-poor) و فقیر اطلاعاتی (information rich) ، مقصود آنها شکاف اجتماعی بین غنی اطلاعاتی است آنها که به کامپیوتر و اینترنت دسترسی ندارند یا شکاف بین «برندگان» و «بازندگان» (فعل ندارد؟) -

Poor)

(Ei Chman , 2000 :259) .

پیش بینی می شود که اینترنت موجب پیدایش دو طبقه در جامعه اطلاعاتی شود : در یک طرف نخبگان اطلا- . این ملاحظات از (Rosental, 1999) عاتی و در طرف دیگر افرادی که به شبکه متصل نیستند قرار دارند نظر سیاسی مهم اند زیرا یکی از فرضیه های اساسی این است که اطلاعات و دانش به درون قدرت اجتماعی منتقل می شود و از این رو نابرابری معرفتی به محرومیت از منابع اجتماعی و نابرابری در قدرت اجتماعی می انجامد یا در مباحثات رسانه ای به ندرت به پیشینه نظری یا شواهد (NTIA, 2000) با این وجود در عرصه سیاسی خاص تجربی دیدگاه معروف شکاف آگاهی که فرضیه حمایت می کنند اشاره می شود. نه تنها به عنوان مثال در مورد برتری های دسترسی اینترنتی بر رسانه های سنتی توده ای خلاء مطالعات تجربی وجود دارد بلکه به لحاظ نظری این موضوع مشخص نشده که آیا سیاست دسترسی همگانی به اینترنت اجتناب ناپذیر است و آیا عامل ضروری موفقیت آینده محسوب می شود یا خیر - یعنی این موضوع که آیا دسترسی به رسانه یا اینترنت به همه مربوط می شود ؟ بالعکس می توان گفت که دسترسی فزاینده و در دسترس بودن اطلاعات قبل از هرچیز به واسطه ی اینترنت به پیدایش یک طبقه نخبه ی اطلاعاتی و شکاف های جدید معرفتی منجر می شود ؛ یعنی همان کاری که رسانه های قدیمی انجام دادند (جمله طولانی و ثقیله).

بنابراین این مقاله یک موضع دو قسمتی دارد: در بخش نخست پیشینه و توسعه ی فرضیه ی شکاف آگاهی و کاربردهای آن برای ارتباطات آنلاین مطرح می شود که این بخش نظری مقاله محسوب می گردد . بعد قسمت دوم بر اساس دو پیمایش جدیدی که در سوئیس انجام شده است به بحث پیرامون بعضی از سوالات مناقشه برانگیزی می پردازد که به استفاده و دسترسی متفاوت به اینترنت مربوط می شوند .

دیدگاه شکاف معرفتی

رویکرد و فرضیه ی اساسی

، جرج دانا هو (Philip techno) در سال 1970 برای اولین بار و به صورت مشخص فیلیپ تیکنور ، از دانشگاه سوتا فرضیه ی شکاف معرفتی را در (Clarice alien) ، و کلاریس اولین (George Donohue)

مقاله ی « جریان رسانه های توده ای و رشد متفاوت دانش » مطرح کردند. اصل نظریه از این قرار است : همچنانکه اشاعه ی اطلاعات توسط رسانه های جمعی افزایش می یابد ، بخش هایی از جمعیت که پایگاه اجتماعی بالاتری دارند زودتر از اقشار دارای پایگاه اجتماعی پائین تر به این اطلاعات دست می یابند در نتیجه شکاف بین بخش ها به جای اینکه کاهش یابد افزایش می یابد

فرضیه بر نتایج بیش از 20 سال تحقیق پیرامون آثار رسانه های جمعی مبتنی است و به وضوح « شکست آشکار پخش همگانی در آگاهی بخشی به مردم » را منعکس می سازد ، زیر برنامه های رسانه ای عموماً و دقیقاً در اختیار افرادی قرار می گیرد که کمترین نیاز را دارند یعنی کسانی که بخش های با انگیزه و مطلع جامعه اند . پس این فرضیه نقطه مقابل این عقیده به شدت متداول است که اطلاعات منتشر شده توسط رسانه های جمعی به همه ی افراد می رسد و در نتیجه باعث ایجاد یک عموم مطلع تر می شود. نویسندگان نمی گویند که بخش یا همان افراد با تحصیلات کمتر کاملاً بی نصیب می (SES) های با وضعیت اقتصادی – اجتماعی پائین تر

می مانند چراکه دانش آنها هم افزایش می یابد. در عوض فرضیه از یک شکاف نسبی سخن می گوید که در آن به اطلاعات با وضعیت اجتماعی – اقتصادی و تحصیلات بالاتر زودتر و موثر تر از دیگران به اطلاعات رسانه های جمعی دسترسی می یابند و از آن استفاده می کنند ؛ که این خود منجر به ایجاد شکاف می شود. اما این فرایند اجتناب ناپذیر نیست ، چراکه اگر اطلاعات رسانه ای در مورد یک موضوع فرضی ادامه پیدا نکند ، شکاف آگاهی هم کاهش می یابد .

در کنار عامل زمان عوامل احتمالی دیگری هم هستند که به موضوعات رسانه ای مربوط می شوند : فرضیه ی شکاف آگاهی قبل از هرچیز به محتوای سیاسی یا امور عمومی و گزارش های رسانه ای مربوط می شود . علاوه بر این تیکنور و دیگران همیشه به موضوعات خاص ارجاع می دهند و به دانش در معنای کلی آن اشاره نمی کنند . بنابراین فرضیه ی شکاف آگاهی تعمیم فرضیه ی شکاف به تمام اطلاعات موجودی که از رسانه های سنتی یا اینترنت ناشی شده است و نیز به کل دانش دریافت کنندگان کاری عجولانه و خطاست .

این در حالیست که سطح یا تنوع مباحث یا عمق موضوعات در نتیجه فرایندهایی مثل دروازه بانی و هم صدایی رسانه ای محدود خواهد بود. در چنین شرایطی می توان انتظار داشت که استفاده کنندگان رسانه ای آثار سقفی را تجربه می کنند. این بدان معناست که حتی آگاه ترین افراد هم نمی توانند خیلی دانش خود را افزایش دهند. در نتیجه بخش های کمتر مطلع هم خود را خواهند رساند و به صورت خودکار سطوح دانش در طول زمان برابر می شود. دانش برجسته شده مثل دانش مرتبط با رخدادی مثل انتخابات ریاست جمهوری یک مثال خوب این پدیده است. این نوع دانش نمی تواند خیلی افزایش یابد چراکه نوعی اثر سقفی وجود دارد زمانی که همه به رخداد پی ببرند بسته می شود. موقعیت اجتماعی پیش شرط دیگر است. اصل نظریه ی شکاف آگاهی به جوامع صنعتی غربی مربوط می شود که دارای نظام های رسانه ای کاملاً توسعه یافته اند - مطبوعات و تلویزیون - نظام هایی که به صورت روزانه برنامه های خود را به بخش بزرگی از جمعیت می رسانند. علاوه بر این در این جوامع صرفنظر از چند استثنای مهم، کارکردهای اطلاعاتی اصلی مربوط به رسانه های سنتی توسعه پیدا کرده است. به هر حال در جوامع سنتی اینترنت هنوز هم بیشتر بعد سخت افزاری داشته و یک رسانه ی همگانی محسوب نمی شود: فقط به بخش های کوچکی از جمعیت اختصاص دارد و در مورد کارکردهای اطلاعاتی یا سرگرم کننده ی آن توافقی حاصل نشده است.

پیشینه ی نظری

به نظریه ی اصلی برمی گردیم شکاف های آگاهی نتیجه یکارکرد ضعیف نظام رسانه ای نیستند در عوض فرضیه ی شکاف بر این تصور استوار است که جریان اطلاعات به صورت طبیعی و به دلیل ساختار اجتماعی جامعه نا متجانس است. پنج عامل با فرایند اساسی باعث ظهور شکاف های آگاهی می شوند: 1. مهارت های ارتباطی: در کل افراد تحصیلکرده تر در مقایسه با افراد دارای تحصیلات پائین تر در مدیریت، استفاده و تفسیر اطلاعات رسانه ای تواناترند

2. دانش قبلی:

Price and zaller)2، (1993) تحصیلکرده ها در باب موضوعات عمومی دانش کلی بیشتری دارند
(Graber ، 2001). بنابراین چارچوب شناختی اساسی کسب و یادآوری اطلاعات جدید را افزایش می دهد
3. تماس های اجتماعی مرتبط : تحصیلکرده تر در شبکه های اجتماعی و محلی وسیع تر ادغام شده اند که به
عنوان منابع اطلاعاتی بین فردی اضافی آنها عمل می کند4. استفاده ، پذیرش و ذخیره ی گزینشی اطلاعات :
تحصیلات به شدت با الگوی کلی در ارتباط است که هدفش جستجوی اطلاعات به منظور انجام وظایف مدنی است .
5. ساختار نظام رسانه ای :در نظام های رسانه ای نوین اطلاعات مربوط به امور عمومی توسط رسانه های چاپی انتشار
می یابد . تحصیلکرده ها از این رسانه های غنی اطلاعاتی استفاده می کنند در حالیکه بخش کمتر تحصیلکرده
جمعیت بیشتر به تلویزیون به عنوان منبع اصلی لطاعات خود وابسته است .

نواقص ، تفاوت ها و احتمالات

خیلی از عواملی که اشاره شد خاص موقعیت نیستند . در اصل نظریه شکاف آگاهی بر این فرض استوار است که
آموزش شدیداً با الگوی خاصی از استفاده یرسانه ای همبسته است که فعال ، حساس ، اطلاعات محور و و دیگران
به عوامل (viswanath)وابسته به چاپ است . نویسندگانی مثل اتمانوکلین ، دروین یا ویسونات
و انگیزشی هم اشاره کرده اند.تحقیق تجربی ثابت کرده است که (situation - specific) خاص موقعیت
عواملی مثل ارتباط موضوع با فرد یا علاقه می توانند نابرابری اطلاعاتی را که از کمبود آموزش ناشی می شود به
صورت تجربی نشان داده است که آموزش و علاقه همیشه (wirth) تغییر دهند یا اینکه معکوس سازند
وابسته به هم نیستند بلکه باهم ارتباط دارند .
در بسیاری از موارد با افزایش سواد علاقه به یک موضوع خاص هم افزایش می یابد .پس آموزش و علاقه شخصی
اغلب مکمل و تقویت کننده یکدیگرند .

بر این اساس دو مدل رقیب تبیینی (به شکل نگاه کنید) مورد بحث قرار گرفته است. پیشگامان فرضیه‌ی شکاف آگاهی عوامل انگیزشی را عوامل ثانوی می‌دانند یعنی این عوامل مستقل از تحصیلات نیستند و هرچه و گرین برگ (Genova) تحصیلات بالاتر باشد انگیزه هم بیشتر خواهد بود. محققین دیگری مثل جنوا تحصیلات و انگیزش را در فرایند کسب اطلاعات (kline) و کلین (etteema) یا اتما (Greenberg) رسانه‌ای عوامل مستقل در نظر می‌گیرند و سعی کرده‌اند ثابت نمایند که در توسعه‌ی شکاف‌های آگاهی انگیزش و علاقه نابرابر در مقایسه با تحصیلات اهمیت بیشتری دارد. بعضی از محققین معتقدند که تحقیق تجربی از فرضیه شکاف حمایت نکرده و حتی آنرا رد کرده است.

را شکل می‌ (Ciontingency model) این دو مدل در ترکیب با یکدیگر مدل سومی به نام مدل مشروط دهند که براین فرض استوار است که در بسیاری از موقعیت‌ها عوامل انگیزشی ظهور شکاف‌های آگاهی را و دیگران (1993: 559): «از نظر ما بحث (viswanath) تعدیل می‌کنند. به گفته‌ی ویسونات تحصیلات یا انگیزش نیست؛ این دو در کنار هم دانش را متأثر می‌سازند». مثلاً در سطوح کلان جامعه و در ارتباط با موضوعات چالش بر انگیز فقط شکاف‌های آگاهی معمولی را می‌توان انتظار داشت: تضاد باعث ارتباط و جستجوی اطلاعاتی می‌شود و تعداد بیشتری از مردم اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند اما در بسیاری از موقعیت‌ها علاقه‌ی سیاسی به تنهایی و بدون وجود حدأقلی از منابع شناختی مثل دانش، انگاره‌های قبلی باعث تحریک فرد و جستجوی اطلاعات نمی‌شود.

مطالعه‌ی این موضوع که عواملی مثل تحصیلات یا دانش قبلی و عوامل انگیزشی مثل علاقه‌ی شخصی در موقعیت‌های خاص چگونه با هم تعامل دارند کار تحقیق تجربی است.

انواع گوناگون اطلاعات و دانش

از نحوه‌ی مفهوم‌سازی و سنجش و دانش در بیشتر (Dervin)، (1980) طرفداران مدل به اصطلاح تفاوت تحقیقات تجربی شکاف آگاهی انتقاد کرده‌اند (شکل 2). تقریباً بین انواع مختلف دانش خاص و واقعی در مقابل دانش ساختاری و نظری تفاوتی قائل نشده‌اند. به علاوه خیلی از سنجش‌های آگاهی و سوالات کتاب‌های درسی

که دارای سطح متوسطی هستند مبتنی اند. این موضوعی است که کارشناسان در مورد آن اختلاف نظر دارند، آیا یک شهروند متوسط هیچ اطلاعاتی ندارد یا اینکه آنقدر که باید دارای آگاهی است.

واینکه آیا خود نتیجه استفاده مکرر از نسخه های ناقص نیست می توان انتظار (Graber : 2001 , 43).

داشت که اگر در مطالعات تجربی به جای معرف های موضوع محور از شاخص های علمی استفاده کننده محور و سوالات باز و بسته استفاده شود و پاسخگویان تشویق شوند تا از دیدگاهی چند جانبه به تفکر پردازند نه آنکه صرفاً دانش واقعی که در مورد نظام سیاسی یا موضوعات سیاست اجتماعی دارند مورد سنجش قرار گیرد ، در این صورت شکاف آگاهی پائین تر خواهد بود .

استفاده کننده محور : ابتکاری سنتی : موضوع محور

دانش زمینه ای دانش موضوعات خاص و برجسته شده

دانش در مورد ساختارها ، علت و معلول ها دانش در مورد واقعیات ، مکان ها و اشخاص

انتزاعی ، نسبی ، دور واقعی ، طبقه بندی های بسته

عمیق ، ضمنی سطحی ، مطلق

نوسازس و استباط یادآوری

شکل 2) مفهوم سازی های متفاوت و سنجش آگاهی

انواع گوناگون شکاف در فرایند ارتباطات

بعد دیگر پارادایم شکاف با این سوال مرتبط است : در کدام نقطه از فراین ارتباط پدیده ی شکاف رخ می دهد ؟ عجیب است که در آثار اولیه منتشر شده در مورد شکاف چه در ملاحظات نظری و چه در تحقیقات در مورد انواع مختلف شکاف تمایز روشنی یافته نمی شود (1) شکاف در ذخیره ی اطلاعاتی (2) شکاف در دسترسی (3) استفاده از اطلاعات (4) شکاف در پردازش اطلاعات در نهایت (5) شکاف در مجموع دانش .

شکاف های آگاهی به سادگی در همان سطح اول توسعه می یابند زیرا بخش های اجتماعی مختلف به محیط های رسانه ای گوناگون تعلق دارند که رژیم اطلاعاتی در دسترسی آنها را توسعه می دهد یا اینکه محدود می سازد. پس شکاف های مرتبط با ذخیره اطلاعاتی در نتیجه ی افزایش اطلاعات خاصی که در انحصار بخش های تحصیلکرده تر است توسعه می یابند. پس در عرصه اطلاعات سیاسی مثلاً بین کانال های تلویزیونی عمومی و تجاری پایین روزنامه های وزین وزرد کشور های اروپایی، شکاف های معناداری وجود دارد. ولی حتی با وجود آنکه استفاده کنندگان به محیط های رسانه ای متفاوت تعلق دارند و ذخیره ی اطلاعاتی کاملاً متفاوت نیست که این به خاطر رویه ها و ارزش های اطلاعاتی مشترک روزنامه نگاری است. شکاف در ذخیره ی اطلاعاتی در نتیجه اشاعه ی متفاوت رسانه های خبری مثل اینترنت هم رخ می دهد. حتی اگر اطلاعات در دسترس بخش های اجتماعی مختلف یکسان باشد باز در مرحله بعد و به علت استفاده نابرابر از اطلاعات رسانه ای انواع دیگری از شکاف های اطلاعاتی توسعه می یابد. علائق استفاده کنندگان متفاوت است و اطلاعات رسانه ای باید به نحو متفاوتی در برابر این ترجیحات واکنش نشان دهد. تحقیقات تجربی متعددی ارتباط بین اولویت های محتوایی مخصوصاً برای اطلاعات سیاسی و متغیر های جمعیت شناختی مثل آموزش را نشان داده اند. شکاف هایی هم به خاطر استراتژی های متفاوت مربوط به درک اتفاق می افتد. اطلاعات مشابهی که استفاده می شوند می تواند به صورت های متفاوت پردازش و ذخیره شود که این موضوع دلائل متعددی دارد از جمله خشنودی های مورد انتظار از رسانه مثل اطلاعات در مقابل سرگرمی - تفاوت در سطح توجه رسانه ای شناختن با استراتژیهای نابرابر پردازش اطلاعات.

کاربرد رویکرد شکاف آگاهی برای اینترنت

پرداختن به ریشه های شکاف های آگاهی نه تنها وضوح مفهومی پارادایم شکاف را افزایش می دهد بلکه که برای

گروه - (information campaigns) این امکان را فراهم می آورد تا در مورد پیکارهای اطلاعاتی

های هدف خاص سازماندهی شده اند خوشبین باشیم یا حداقل برای این سوال جواب شفافی بیابیم که آیا در

(Ebring) و ابراینگ (Nie) اینترنت شکاف آگاهی را تشدید می کند یا نه. بررسی که اخیراً توسط نای

دانشگاه استنفورد انجام شده نشان می دهد که اینترنت به شکاف در ذخیره و شکاف در دسترسی به اطلاعات منجر می شود ولی اثری بر شکاف های استفاده و کسب ندارد ؛ ولی مرحله شکاف در درک به بحث بیشتری نیاز دارد . گفته شده است که استفاده معنادار از اینترنت مستلزم مهارت هایی مثل استراتژی های اردی جستجو ، ارزیابی اعتبار منبع یا توانایی خلق ساختارهای معنادار تفسیری است . در رسانه های قدیمی معمولاً روزنامه نگاران این کارها را برای مخاطب انجام می دادند .

شکل 3 تفاوت های مربوط به پیدایش شکاف آگاهی را در بین رسانه های سنتی مثل تلویزیون یا مطبوعات و اینترنت نشان می دهد . به نظر می رسد که در رسانه های قدیمی شکاف های آگاهی عمدتاً نتیجه تفاوت علائق خاص بوده است چون سطوح کلی دسترسی و استفاده از رسانه جمعی بالا بوده است و روزنامه نگاری رسانه ای جمعی ذخیره به نسبت همگونی از ذخیره اطلاعاتی را فراهم آورده بود . در مقایسه با رسانه های قدیمی در مورد، اینترنت عوامل جدیدی ظاهر شده اند . از یک طرف ذخیره ی اطلاعاتی اینترنت به وسیله ی روزنامه نگاران ساختار پیدانکرده پس ناهمگون و نامحدود است از طرف دیگر در بسیاری از کشور ها دسترسی به اینترنت هنوز هم محدود است.

علاوه بر این در مقایسه با رسانه های قدیمی، استفاده از اینترنت به استفاده کننده ی ماهرتر و فعال تری نیازمند است. پس می توان گفت که در مقایسه با رسانه های سنتی اینترنت تقسیم مخاطب و جستجوی فردی اطلاعات را تشدید می کند و این ممکن است سبب افزایش تجزیه ی اولویت های فردی شود و مقدار دانش مشترک را در کتاب خود ؛ پردازش سیاست (Doris graber) هم کاهش دهد . به همین دلیل است که دوریس گرابرها می پرسد : « اگر شهروندان از اطلاعات یکسان استفاده نکنند ، آیا به معابد ارتباطی خود نخواهند خزید ؟

شکاف های اینترنتی : شواهد تجربی جدید

در قسمت دوم مقاله شواهد تجربی جدیدی ارائه می شود که وجود اشکالی از شکاف های آموزش محور را در دسترسی و استفاده از اینترنت نشان می دهد . این تحلیل های ثانویه که توسط نویسنده انجام شده بر دو پیمایش گویا ، جدید و بزرگی که در سوئیس انجام شده مبتنی است .

طرح تحقیق ، روش ها و نمونه ها

به صورت منظم برای شرکت های تبلیغاتی به سنجش استفاده از رسانه های چاپی WEMF در سوئیس یک پیمایش تلفنی است و بر نمونه های 10 نفری از افراد mach می پردازد. مطالعه ی اصلی آن موسوم به بالای 14 سال مبتنی است. پیمایش هر 2 سال یک بار انجام می شود و شامل سوالاتی در مورد دسترسی و استفاده از اینترنت و نیز داده های جمعیت شناختی مثل سن ،جنس ،تحصیلات ودرآمد است . پایگاه وسیع داده ،در پاسخگویی به چند سوال کمک می کند :1) این رسانه جدید به چه شکاف ma های آن موسوم به شبکه های آگاهی منجر می شود ؟ 2) یا شواهدی دال بر کاهش شکاف دسترسی در طول زمان وجود دارد ؟ 3) در صورت مثبت بودن پاسخ ،برای کدام بخش ها ؟

برای اولین بار یک پیمایش جدید تلفنی انجام داد که wemf به علاوه در سپتامبر و اکتبر سال 1999 نام گرفت و بر نمونه ای 2000 نفری از استفاده کنندگان کامپیوتر شخصی که به اینترنت دسترسی 1999Ma انجام شد . ma 2000 داشتند یا نداشتند مبتنی بود ، ویک سال بعد هم یک مطالعه ی پیگری (1999) ،تحلیل هایی که می آید بر دو نمونه ی Ma برای تضمین صحت مقایسه با داده های مطالعه ی شبکه نفری و 1557 (2000) از افرادی که حداقل چندبار در ماه در خانه ی خود از اینترنت استفاده کرده اند مبتنی تعداد و زمان صرف شده برای استفاده از اینترنت ، را سوالاتی کیفی در ima است. اساس پیمایش های استفاده از سایت های اینترنتی خاص و انواع محتوای اینترنتی مورد استفاده شکل می داد ،سوالات کیفی تری هم در مورد نگرش به اینترنت و درجه بندی شخصی فرد از صلاحیت های اینترنت گنجانده شده بود . در مطالعه ی امریکایی خود موسوم به « اینترنت(Erbing) و اربینگ(Nie) بر اساس این مجموعه داده نای و جامعه » دو فرضیه تدوین کردند که مورد بررسی قرار می گیرد : 1) هنوز هم با وجود کم شدن تفاوت های جمعیت شناختی در دسترسی به اینترنت 2) چند تفاوت جمعیت شناختی در استفاده از اینترنت وجود دارد .

شکاف هایی در زمینه ی دسترسی به اینترنت

در تابستان 1997، 10/8 درصد از پاسخگویان سوئیسی 14 سال به بالا، به اینترنت دسترسی داشته اند و حداقل چند بار در ماه از آن استفاده کرده اند. اعداد قابل مقایسه برای آلمان و استرالیا به صورت معناداری پایین تر است یعنی به ترتیب 6/5 و 5 درصد بوده است. استفاده از اینترنت در سوئیس بین سال های 1997 تا 1999 به 26/3 درصد افزایش یافته است. اعداد مزبور برای آلمان و استرالیا هنوز هم در سال 1999 پایین است یعنی به ترتیب 17/7 و 13 درصد بوده است. در این زمان (بین اکتبر 1999 و مارس 2000)، استفاده از اینترنت در سوئیس به یک سوم جمعیت رسیده است (33/4). نرخ رشد معادل 23 درصد است یا به عبارت دیگر در طول سه سال 20 درصد افزایش یافته است. به هر حال هنوز هم آمریکا جلوتر از اروپاست: نسبت استفاده فردی از اینترنت از 32/7 درصد به 35 درصد در دسامبر 1998 و 44/4 درصد در آگوست 2000 رسیده است.

چه تفاوت های جمعیتی شناختی در استفاده از اینترنت وجود دارد؟ جدول 1 شکاف های آگاهی را نه تنها بر اساس سطح آموزش بلکه بر اساس سه بعد دیگر هم نشان می دهد. به هر حال به نظر می رسد که تحصیلات مهم ترین عامل باشد؛ بعد از آن هم درآمد است ولی تفاوت های ناشی از جنس و سن قدرت کمتری دارند. در مجموع می توان گفت که استفاده کننده ی سوئیسی اینترنت تحصیل کرده، حرفه، جوان و مرد می باشد.

فرضیه ی بعدی به توسعه شکاف های مربوط به دسترسی به اینترنت در طول زمان اشاره دارد. در این جا جدول 1 به وضوح نشان می دهد که شکاف های دسترسی به اینترنت در طول دوره ی مورد مطالعه کم تر نشده است. در عوض و بر عکس داده های مربوط به آمریکا، روشن است که تفاوت های جمعیت شناختی موثر در دسترسی به اینترنت بین سال های 1997 و 2000 تأثیر بیشتری پیدا کرده اند. بنابراین دسترسی به اینترنت 27 درصد (برای مردان) و 37 درصد (برای دانشگاهیان) در میان بخش مرفه جامعه افزایش یافته است ولی برای بخش های غیر مرفه بسیار پایین تر بوده است یعنی بین 8 درصد (برای کم درآمد ها) و 18 درصد (برای زنان) بوده است.

به طور خلاصه: داده های سوئیس در ارتباط با دسترسی به اینترنت با فرضیه ی شکاف آگاهی سازگار است. در دسترسی به اینترنت نه فقط شکاف های ناشی از آموزش وجود دارد بلکه تفاوت های جمعیت شناختی دیگری که از درآمد، جنس و سن ناشی می شود هم در دسترسی به اینترنت موثرند و این شکاف ها در طول دوره ی سه ساله

ی مورد مطالعه کاهش نیافته اند. همانطور که فرضیه ی شکاف آگاهی می گوید اشاعه ی و اقتباس اینترنت در میان بخش های با وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالا در مقایسه با بخش های پائین تر زودتر و سریع تر رخ می دهد. در مقایسه و بر اساس بررسی نای و ابرینگ (2000) که مطالعه خود را بر یک نمونه ی بسیار کوچک تر 4113 نفری انجام داده اند، دسترسی به اینترنت در امریکا در سال 1999، 38 درصد است که هنوز هم از کشورهای آلمانی زبان اروپا بیشتر است. از ژوئن 2001، نرخ دسترسی در امریکا به 58 درصد رسیده است. واضح است که در مورد دسترسی بر اساس آموزش و سن در اروپا و امریکا شکاف های مشابهی وجود دارد ولی به نظر می رسد که در امریکا تفاوت های جنسی کمتر شده است.

برای شکاف در دسترسی چند تبیین منطقی وجود دارد که در همه ی آنها هم عوامل انگیزشی و شناختی به شیوه های پیچیده باهم تعامل دارند. به نظر می رسد که زنان و بزرگسالان هنوز هم کمتر از مزایای اینترنت منتفع می شوند حال آنکه افراد تحصیلکرده تر از اینترنت رضامندی های بیشتری طلب می کنند و منابع شناختی بیشتری را جهت استفاده از اینترنت به کار می گیرند. اینکه نرخ اشاعه ی اینترنت هنوز هم به خصوص در بخش های مرفه جمعیت زیاد است احتمالاً نشان دهنده ی این است که موانع اقتصادی مثل هزینه های سخت افزاری و هزینه های تلفن در کشور های اروپایی بالا است. هنوز هم دورنمای توسعه شکاف در آینده مشخص نیست. آیا در سال های آینده شکاف های دسترسی کمتر خواهند شد. به خصوص در مورد تفاوت هایی جنسی و سنی یا اینکه در طول زمان شاهد شکاف هایی خواهیم بود که از نبود مهارت های لازم و پول ناشی می شوند.

شکاف های استفاده از اینترنت

سال های 1999 و 2000 شامل چند سوال کیفی بود که الگوهای ma همانطور که قبلاً گفته شد پیمایش خاص استفاده و نیز نگرش در مورد اینترنت مربوط می شد. جدول 2 نشان می دهد که در چند مورد از این شاخص ها تفاوت های آموزشی مشخصی وجود دارد.

آن دسته از استفاده کنندگان اینترنت که سطح تحصیلات بالایی داشتند مدت زمان بیشتری بود که از اینترنت استفاده می کردند و میزبان استفاده ی آنها از اینترنت هم افراد با تحصیلات پائین تر بیشتر بود.

مقایسه سال های 1999 و 2000 هم روند های مشابهی را نشان می دهد : از یک طرف بخش مبتدی از 72 درصد به 65 درصد کاهش یافته بود و از طرفی دیگر تعداد استفاده های روزانه ی اینترنتی از 47 به 54 درصد افزایش یافته بود . در نتیجه ی عادی سازی و افزایش استفاده از اینترنت ، شکاف های آموزشی مربوط به استفاده از اینترنت هم کاهش یافت . برعکس شکافی که از تجربه ی استفاده ی از اینترنت ناشی می شد به خاطر استفاده کنندگان کم و بیش تحصیلکرده ی اینترنت در سال 2000 افزایش یافت .

به منظور سنجش کیفی تر محتوای اینترنتی خاصی که افراد به سطوح تحصیلات متفاوت استفاده می کنند سوالات بیشتری هم پرسیده شد ؛ البته بین استفاده در خانه و محل کار تفکیکی به عمل نیامد .

تحلیل ها نشان داد که (**جدول 3**) بیش از 75 درصد از استفاده کنندگان اینترنت از آن به خاطر ایمیل ، جدول زمانی قطارها و پرواز هواپیماها و موتور های جستجو استفاده می کنند . بین 40 تا 60 درصد از اینترنت برای کسب اخبار روزانه یا دسترسی به روزنامه های آنلاین ، برنامه ریزی سفر آموزش بیتر ، دانلود نرم افزار ، سفارش کالا یا پیش بینی وضع هوا استفاده می کنند .

انجام امور بانکی از طریق اینترنت ، رزرو بلیط سفر ، چت ، بازی کردن یا شرکت در گروه های مباحثه از طریق اینترنت از موارد کمتر معمول به شمار می آیند ، رقم این کاربرد ها در سال 99 بین 25 تا 33 درصد در نوسان بوده است .

شکاف در مهارت ها و نگرش به اینترنت

در نهایت چند سوال هم به صورت غیر مستقیم به شکاف های فرایند درک مربوط می شدند ریال این سوالات فقط در پیمایش 1999 گنجانده شده بودند . یکی از سوالات مهارت های کامپیوتری را که خود شخص گزارش می کرد بررسی می کرد و سوال دیگر هم نگرش های پاسخگویان در مورد رسانه های جدیدی مثل اینترنت می سنجید . جدول 5 نشان می دهد که اکثریت استفاده کنندگان دارای تحصیلات پائین خود را مبتدی (43 درصد) می دانند حال آنکه 85 درصد از کاربران با تحصیلات بالا مهارت های کامپیوتری خود را بالا یا بسیار بالا می دانند .

جای تعجب ندارد که 80 درصد از افرادی که در پیمایش شرکت کرده و از اینترنت به صورت منظم استفاده می کنند در کل به رسانه ی جدید نگرش مثبت دارد و فکر می کنند که این رسانه های جدید ابتکارات فنی مهمی هستند و نباید آنها را از دست داد. به علاوه تقریباً 60 درصد هم شیفته ی اینترنت و دیگر نوآوری های جدید رسانه ای اند. افراد با زمینه ی تحصیلی بالا به صورت منطقی و از روی شناخت استدلال می کنند حال آنکه افراد دارای سطح تحصیلات پائین تر به شیوه ای شدیداً احساسی از خود واکنش نشان می دهند.

گرایش هایی در جهت استفاده از محتواهای خاص اینترنتی در حال ظهور است که مدام در حال افزایش است : استفاده از موتورهای جستجو و نرم افزار های دانلود افزایش یافته است ولی درصدی هم که از اینترنت فقط برای اموری مثل بازی کردن و شنیدن موسیقی استفاده می کنند به صورت معناداری در حال افزایش است.

جدول 4 تفاوت های بین بخش های آموزشی را نمایش می دهد. این نتایج فرضیه ی نای و ابرینگ را تأیید نمی کند ، فرضیه ی آنها آن بود که اگر مردم فقط به اینترنت دسترسی داشته باشند تفاوت های آموزشی در استفاده از اینترنت وجود نخواهد داشت. حداقل در سوئیس ، در استفاده از محتواهای خاص اینترنتی تفاوت های آموزشی معناداری وجود دارد.

افرادی که تحصیلات بیشتر دارند از اینترنت برای کسب اطلاعات و مقاصد خدمات محور استفاده می کنند ولی کم تر تحصیل کرده ها از اینترنت تا حد زیادی در جهت سرگرمی استفاده می کنند. به صورت خلاصه ، محتوای نامحدودی که توسط اینترنت فراهم آمده به همراه انتخاب فعالانه ی استفاده کننده باعث به وجود آمدن طیف گسترده ای از الگوهای استفاده شده است که در راستای محتواهای خاص فردی اند. در کنار تفاوت های آموزشی ، جنسیت و سن هم تفاوت هایی بین استفاده کنندگان اینترنت ایجاد کرده اند . مردان بیش از زنان از موتورهای جستجو استفاده می کنند و له آن دسترسی بیشتری دارند و اقدام به تهیه ی آرشیو از روزنامه های آنلاین کرده و به آموزش و انجام امور بانکی از طریق اینترنت هم علاقه بیشتری از خود نشان می دهند . استفاده کنندگان جوانتر هم در مقایسه با بزرگترها به چت ، بازی و موسیقی علاقه مند ترند

خلاصه و نتیجه گیری

شواهد تجربی که در مقاله ی کنونی ارائه شد ، بر تحلیل ثانویه ی دو پیمایش معرفی که اخیراً در سوئیس انجام شده مبتنی است و وجود انواع مختلف شکاف های آموزشی مربوط به دسترسی به اینترنت را مستند می کند . علاوه بر این حداقل در حال حاضر این شکاف ها در حال کمتر شدن نیستند و در عوض بین سال های 1997 و 2000 گسترش هم پیدا کرده اند .

بر اساس این شواهد شعارهای سیاسی و ادعاهایی مثل « دسترسی همگانی به اینترنت » را باید جدی گرفت ولی در عین حال باید مراقب هم بود . دسترسی به اینترنت به تنهایی و به صورت خودکار تحقق یک عموم مطلع و آگاه را تضمین نمی کند . اگر به چگونگی اتصال مردم به اینترنت و استفاده ای که افراد از آن به عمل می آورند هم نگاه کنیم در کنار شکاف های دسترسی به وجود شکاف هایی در محتواهای خاص استفاده شده هم پی می بریم . هرچه پیشینه ی آموزشی بیشتر باشد افراد بیشتر از اینترنت به شیوه ی ابزاری استفاده می کنند و هرچه که تحصیلات پائین باشد مردم از آن فقط در جهت مقاصد سرگرم کننده استفاده می کنند .

حداقل چهار مانع اساسی بر سر راه استفاده ی بیشتر مردم از جامعه اطلاعاتی کنونی وجود دارد : 1) هنوز مهارت های اساسی کامپیوتری وجود ندارند و مردم از اتصال به اینترنت واهمه دارند و به ویژه مسن تر ها و افراد کم سواد نگرش های بدبینانه ای در مورد آن دارند 2) حتی اگر مردم مهارت های اساسی را به دست آورند در دسترسی موانعی وجود خواهد داشت چرا که این رسانه های نوین پرهزینه اند. 3) بعضی از موانع هم از فضای غیر دوستانه آن ناشی می شود و 4) شکاف های استفاده از اینترنت عمدتاً از آموزش ناشی می شوند آیا این سلطه ی کارکردهای سرگرم کننده است ؟ یا اینکه اینترنت را به شیوه ای ابزاری هم می توان به کاربرد واز آن برای فهم عمیق تر آنچه در جامعه اتفاق می افتد استفاده کرد ؟

به لحاظ نظری نه تنها بحث های عامیانه درمورد شکاف دیجیتال بلکه تحقیق تجربی هم هنوز بر یک پارادایم تکنولوژی محور سنتی مبتنی است و پیچیدگی های ذاتی فرایند اشاعه ، اقتباس و ادغام اینترنت به عنوان یک

رسانه جدید را در جامعه منعکس نمی کند . در نتیجه ما در حال حاضر شناخت عمیقی از پدیده بیه اصطلاح نداریم چونکه بیشتر تحقیقات فقط بر موضوع دسترسی تمرکز کرده - (Digital divide) « شکاف دیجیتال » اند . فهم اینکه مردم واقعاً در هنگام اتصال به کامپیوتر چه می کنند نیازمند تحقیقات بیشتر و بهتر است . اما چنین تحقیقی باید بر نحوه ی نگرش کاربر به تکنولوژی مبتنی باشد ؛ تکنولوژی که توسط اجتماع و به وسیله آن شکل گرفته و پذیرفته شده است . پس نابرابری فقط به خاطر ناکافی بودن محتوا و یا عدم دسترسی به اینترنت نیست . این بدان معناست که نابرابری را باید به صورت ساختاری مفهوم سازی کرد و باید روی فرایندهای اجتماعی میانجی تمرکز کرد . پس رفتار غیر استفاده کنندگان غیر عقلانی نیست یا فقط به خاطر عدم آگاهی از اینترنت نیست بلکه باید آن را به مثابه عملی ارادی و منطقی در نظر گرفت که از محدودیت های اجتماعی موجود بر سر راه انتخاب ناشی می شود.

ملاحظات نظری کاربردهای سیاسی هم دارند . از آنجا که بیشتر تحقیقات آمریکایی اخیر - که فقط به دسترسی تمرکز دارند - روندهای همگرایی را نمایش می دهند ، بعضی از کارشناسان فکر می کنند که اصلاً نباید هیچ سیاست عمومی آینده محور را مورد حمایت قرار داد یا حداقل نباید سیاست هایی مثل دسترسی بیشتر به اینترنت در مدارس و کتابخانه ها را که در جهت ارتقاء زیر ساخت ها صورت می گیرند مورد حمایت قرار داد.

در عوض سیاست عمومی باید بر این فرض استوار باشد که تکنولوژی به وسیله اجتماع شکل گرفته و جذب می شود پس نباید صرفاً بر موضوعات تهیه و دسترسی تمرکز کرد بلکه باید روی محتوایی که توسط اینترنت فراهم می شود و نیز روی مهارت های ارتباطی لازم برای کاربران بالقوه ی اینترنت تمرکز نمود .



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی